



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

روایت نگاری آموزش کسر در کلاس ریاضی پایه پنجم دبستان شهید خزایی روستای فارسینج شهرستان سنقر و کلیایی استان کرمانشاه

علی رضائی^۱، رضا غلامی^۲، بهرام آروین^۳

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۳- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: دکترای ریاضی استاد دانشگاه ریاضی کرمانشاه

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: alirezaei137990@yahoo.com

چکیده

در این نوشتار برآن شدیم تا گزارش کاملی از مشاهدات علمی و آموزشی مفید خود را در کلاس درس این همکار گرامی بیان نموده و سپس به نقد و بررسی آن بپردازیم و سپس انتقادات و پیشنهادهای مفید خود را پیشکش می کنیم. در این فرایند برای آنکه ببینیم معلم چگونه با دانش آموزان ارتباط برقرار می کند، زمانی را معین و هماهنگ کردیم تا سر کلاس ریاضی پایه پنجم رفته و مشاهدات خود را مکتوب کنیم و همچنین کارهایی که در سر کلاس گذشته است را در ادامه بررسی و تحلیل می کنیم.

کلمات کلیدی: ریاضی، پنجم، تدریس، روایت

مقدمه

در روز سه شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ وارد کلاس پنجم ابتدایی دبستان شهید خزایی فارسینج شدیم. این کلاس، کم تعدادترین کلاس مدرسه است و دارای ۸ پسر و ۱۰ دختر است و به این دلیل کوچکترین کلاس را به آن اختصاص داده اند. از در مدرسه که وارد می شوی پشت کلاس ششم، چسبیده به کانکسی که معلمان در زنگ تفریح در آن استراحت می کنند، تک کلاسی را می بینی که دانش آموزان پایه پنجم در آن مشغول به تحصیل هستند. این کلاس کف اش موزاییک است و تا نصفه دیوار کلاس سنگ است و میز و صندلی ها تک نفره است دقیقاً مثل صندلی دانشگاه ها است و دارای دو پنجره است که در صبح ها نور این پنجره ها درست در سر کلاس منعکس می شود. در گوشه ای از این کلاس یخچالی قرار دارد که چیزهای غیر ضروری در آن می گذارند. دمای کلاس در چنین روزی ۲۸ آبان حدود ۲۲ درجه سانتی گراد است. تخته ای که دانش آموزان از روی آن درس را یاد می گیرند (وایت بورد) است و کلاس های مدرسه ابتدایی فارسینج مجهز به موتورخانه و شوفاژ است که جای تحسین دارد که چنین مدرسه ای در روستا مجهز به سیستم گرمایشی خوبی است. این مدرسه در سال ۱۳۸۶ درست از زمانی که نگارنده پایه اول ابتدایی بود، ساخته شده است یعنی بدانید ما هم در این مدرسه افتخار تحصیل را داشته ایم که جزء بهترین دوران زندگی ام بوده است.

اما روز ورود به کلاس، اول اینکه بچه ها با ورود ما به نشانه احترام از جای خود بلند شدند وقتی دلیل را پرسیدم می دانستند که دانشجو معلم هستم بنابراین از زمانی که انتهای کلاس نشسته بودم تا وقتی معلمشان وارد شد همه ی دانش آموزان با نگاهی که معلم خود را نگاه می کردند من را می نگریدند. کلاس در سکوتی غرق بنده بود که معلم وارد شد. به محض ورود معلم بچه ها از سر جای خود بلند شدند و صلواتی فرستادند که برایم جالب بود. تیپ معلم بر خلاف تصور من بود. (من فکر می کردم که معلم، حتماً با کت و شلوار در سر کلاس حاضر می شود) اما ایشان با یک تیپ اسپرت و مرتب در سر کلاس حاضر شد.

روایت کلاس

یکی از قوانین این کلاس که با آن آشنا شدم این بود که معلم برای این که در طول سال هر دانش آموز بتواند از همه ی زوایای کلاس تخته را ببیند هر هفته جای دانش آموزان را عوض می کرد. که این راهکار البته به مزاج دو تن از دانش آموزان خوش نیامده بود چرا که این دو تن مثل برادر با هم بودند و هر هفته که جای این دو کنار هم نبود ناراحت می شدند. پدر یکی از این دو نفر در این روستا باشگاه بدنسازی دارد و این پسر بنده را واسطه می کرد که اگر معلم را راضی کنم لازم نیست این ماه شهریه باشگاه را بدهم، البته کار به این جا نکشید و معلمشان قبول کرد که پیش هم بنشینند بعد از این ماجراها معلم درس را شروع کرد.

معلم درس جدید را که با عنوان تقسیم کسرها بود شروع کرد. در ابتدا از یکی از بچه ها خواست تمرین زیر را بلند بخواند (در این روایت برای هر یک از دانش آموزان یک اسم عددی انتخاب کرده ام که از این به بعد به جای بردن اسم و فامیلی از آن استفاده می کنم). دانش آموز ۳۳ پاسخ می دهد: می خواهیم ۵ کلوچه را به طور مساوی میان ۳ نفر تقسیم کنیم به هر کدام چه مقدار می رسد؟

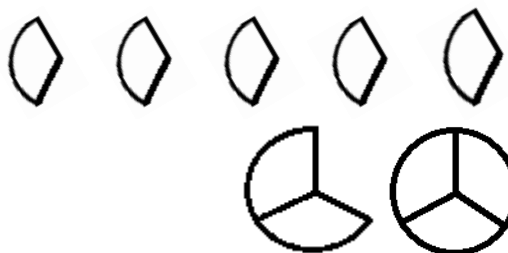
سپس از همان دانش آموز خواست پای تخته برود و او با کشیدن شکل زیر جواب سوال را داد:

$$\frac{1}{3} + \frac{1}{3} + \frac{1}{3} + \frac{1}{3} + \frac{1}{3} = 5 \times \frac{1}{3} = \frac{5}{3}$$



و معلم سخن او را تایید کرد.

معلم: سهم هر نفر از کلوچه $\frac{1}{3}$ است و چون ۵ کلوچه داریم به هر نفر ۵ تا $\frac{1}{3}$ کلوچه می رسد. مرحله بعد:



یعنی به هر نفر $\frac{2}{3}$ یعنی یک کلوچه کامل و $\frac{2}{3}$ قسمت می رسد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلم: به جای این کارها بهتر است مستقیماً از تقسیم کسرها استفاده کنیم که نسبت به تقسیم اعداد صحیح کمی متفاوت است.

معلم: نکته ۱. در تقسیم کسرها اعداد صحیح مثل ۵ همواره دارای مخرج ۱ هستند.

معلم: نکته ۲. در تقسیم کسرها همواره عدد دوم یا کسر دوم را معکوس کرده و تقسیم را به ضرب تبدیل می‌کنیم مثال:

$$5 \div \frac{1}{3} = 5 \times \frac{3}{1} = \frac{15}{1}$$

معلم از دانش آموز ۱۴ می‌خواهد تمرین بعد را بخواند. دانش آموز ۱۴: اگر ۷ متر پارچه را میان ۴ نفر تقسیم کنیم به هر نفر چند متر پارچه می‌رسد از شکل زیر استفاده کنید و راه حل را توضیح دهید.

دانش آموز ۲۱ می‌گوید: هفت را باید در $\frac{1}{4}$ ضرب کنیم که مورد تحسین معلم قرار می‌گیرد و می‌گوید ساده‌ترین راه همین است سپس دانش آموزان سکوت می‌کنند و به حل تمرین می‌پردازند. سپس معلم طبق نظر یکی از دانش‌آموزان از آنها می‌-

خواهد عدد به دست آمده را به مخلوط تبدیل کنند. بین بچه‌ها زمزمه‌ای که $\frac{1}{4}$ جواب است به گوش می‌رسد. معلم: بچه‌ها قبل از انجام تمرین باید چند خطی توضیح بنویسید.

دانش آموز ۳۴: آقا زیاده؟ معلم: نه.

دانش آموز ۳۴: چند خط؟ معلم: دو خط

معلم: خوب بچه‌ها در اینجا هفت متر داریم که باید این پارچه را یک متر یک متر جدا کنیم.

دانش آموز ۲۴: هر متر را به چهار قسمت تقسیم کنیم. معلم: دقیقاً و روی تخته می‌نویسد:



$$7 \times \frac{1}{4} = \frac{7}{4}$$

یعنی برای هر نفر ۷ تا $\frac{1}{4}$

دانش آموز ۲۳ به پای تخته می‌رود و معلم مشکلش را حل می‌کند و دوباره سر جای خود می‌نشیند.

ادامه سوال: سهم هر نفر از یک متر پارچه چقدر است؟

دانش آموز ۳۲: $\frac{7}{4}$

معلم: خوب دقت نکردی دخترم سوال گفته سهم از یک متر چقدر است؟ دانش آموز ۳۲: آها یعنی $\frac{1}{4}$

معلم: بله. بنابراین سهم هر نفر از کل پارچه $\frac{1}{4}$ می‌باشد. کل دانش آموزان: $\frac{7}{4}$

معلم: توضیح نوشته شده داخل کتاب این است: شکل رسم شده به هفت قسمت مساوی که طول هر قسمت یک متر است، تقسیم شده است. چون می‌خواهیم آن را بین چهار نفر به طور مساوی تقسیم کنیم هر متر را به چهار قسمت مساوی تقسیم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می کنیم (۲۳: آقا چقدر مانده؟) به هر نفر $\frac{1}{4}$ از یک متر می رسد و در نتیجه ۷ تا $\frac{1}{4}$ یعنی $\frac{7}{4}$ متر می رسد. معلم همین توضیح را دوباره به زبان خودشان برای بچه ها بیان کرد.
ادامه سوال: آیا می توانید برای مسئله بالا روش های دیگری نام ببرید؟

معلم: بله با کمک محور می شود. هر واحد از محور را به اندازه مخرج یعنی چهار قسمت تقسیم کنیم و هر بار به اندازه $\frac{1}{4}$ حرکت کنیم.

معلم: ۲۳ ادامه توضیح را بخوان و دانش آموز ۲۳: به جای آن که عددی را به دو قسمت تقسیم کنیم می توانیم آن را در کسر...

معلم سخن ۲۳ را می شکنند و می گوید در چه کسری ضرب کنیم؟

دانش آموز ۲۳: درنگ می کند و معلم مجبور می شود او را به پای تخته بفرستد و می گوید: ۱۰ را به دو قسمت تقسیم کن. (با کمک معلم)

$$10 \div 2 = 10 \times \frac{1}{2} = 5$$

معلم: خوب حالا ۱۰ را بر یک دوم تقسیم کن. دانش آموز ۲۳ می گوید بلد نیستم و با اجازه معلم می نشیند.

این بار ۱۴ به پای تخته می رود. تخته را پاک می کند و می نویسد:

$$10 \div \frac{1}{2} = 10 \times 2 = 20$$

در این حالت یکی از دانش آموزان کلاس دیگر می آید و معلم بسته ای را از یخچال به او میدهد، فکر کنم بسته آب اکسیژنه بود.

معلم: ۱۴ را تحسین می کند و می گوید بنابراین باید تقسیم را به ضرب تبدیل کرده و عدد دوم و یا کسر دوم را معکوس کنیم.

$$10 \div 5 = 10 \times \frac{1}{5} = 2 \quad 10 \div 5 = 2$$

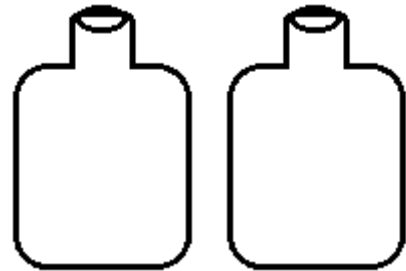
معلم: هرگاه کسر بزرگتر از واحد داشته باشیم حتماً باید ساده کنیم و یا عدد مخلوط بگیریم.

معلم به دانش آموز ۲۴ می گوید: کار در کلاس را بخوان.

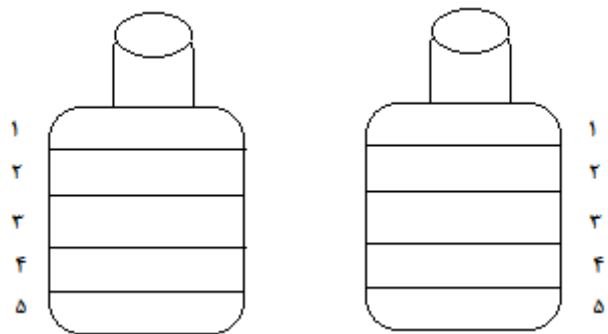
دانش آموز ۲۴: اگر دو لیتر را میان پنج نفر تقسیم کنیم به هر نفر چقدر می رسد برای اینکار از رسم شکل استفاده کنید.

معلم: کی میاد پایین (خودم هم کمک می کنم) دانش آموز ۴ پای تخته می رود و تخته را پاک می کند.
معلم: دو تا مستطیل بکش.

دانش آموز ۴ از روی خود شیرینی به جای دو مستطیل دو بطری می کشد که الحق هم زیباست.



معلم: وقتی می‌گویند دو لیتر برای پنج نفر پس باید هر شکل را به چند قسمت تقسیم کنیم؟ همگی: ۵ قسمت

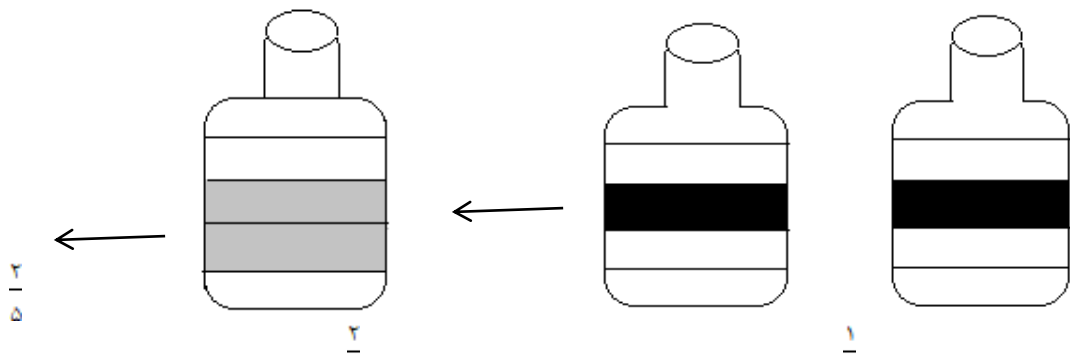


دانش آموز ۴ پای تخته می‌رود. و می‌گوید: یعنی باید ۵ را به ۲ تقسیم کنیم؟

معلم: نه عزیزم باید ۲ را به ۵ تقسیم کنیم. دانش آموز ۴ پای تخته:

$$2 \div 5 = 2 \times \frac{1}{5} = \frac{2}{5}$$

معلم: حالا از رسم شکل استفاده کن.



معلم: یعنی در هر لیتر ۵ به هر نفر می‌رسد. چون دو لیتر داریم به هر نفر ۵ لیتر می‌رسد.

معلم: حالا کتاب خودتان رو کامل کنید.

معلم: بچه‌ها تا آنجا که راه دارد کسرها را با هم به صورت ضربدری و هم کسری ساده کنید و به کسر بزرگتر از واحد توجهی نکنید و در پایان اگر جواب بزرگتر از واحد باشد باید آن را به عدد مخلوط تبدیل کنیم. بچه‌ها پیش معلم می‌روند و جواب خود را پاک می‌کنند.

تعدادی از پسران برای پاک کردن تخته با هم مجادله می‌کنند یکی از آنها پیروز می‌شود و تخته را به سه قسمت تقسیم می‌کند و دو دانش آموز دیگر به او پیوسته و به پای تخته می‌روند: برای نمونه:



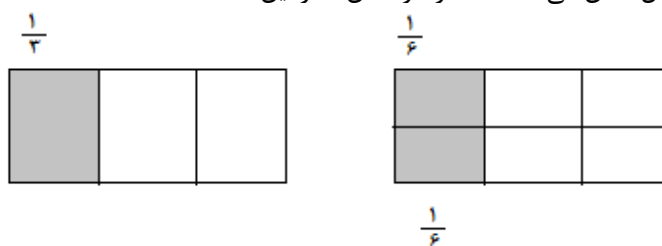
ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

$$۶ \div ۶ = ۶ \times \frac{1}{۶} = \frac{۶}{۶}$$

بعد از آن یکی از دانش آموزان دختر بادام هندی به معلم تعارف می‌کند و معلم می‌گوید میل ندارم که به من هم تعارف کرد اما من یکی برداشتم. سپس معلم از دانش آموز ۲۲ می‌خواهد سوال بعدی را بخواند.

دانش آموز ۲۲: $\frac{1}{3}$ زمین را به آموزش و پرورش اهدا کرده‌اند تا در آن دو سالن ورزشی بسازند. قرار است مساحت این دو سالن یکسان باشد. به هر سالن چه کسری از زمین می‌رسد؟
 که معلم ابتدا روش‌های دو دانش‌آموز به نام‌های ندا و ناهید را بررسی می‌کند.
 ندا: شکل نشان می‌دهد که در هر سالن $\frac{1}{6}$ زمین است.

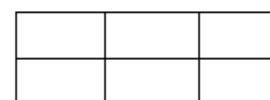


ناهید: باید حاصل $\frac{1}{3} \div 2$ را پیدا کنیم؛ یعنی نصف عدد $\frac{1}{3}$ را به جای این کار می‌توانیم $\frac{1}{2}$ عدد $\frac{1}{3}$ را پیدا کنیم پس کفایت دو عدد $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{2}$ را در هم ضرب کنیم:

$$\frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6}$$

بعد از آن دانش آموز پسر ردیف ۱۲ تخته را محکم پاک می‌کند که دانش آموز ۲۲ با لهجه کردی می‌گوید: "ته خته گه شکانی یواش."

دانش آموز ۱۲ با لبخند طبق حرف معلم مستطیل نسبتاً دقیقی را می‌کشد. سپس آن را با دو خط عمودی به سه قسمت مساوی تقسیم می‌کند و طبق دستور معلم یکی از سه قسمت را رنگ می‌کند. صدای معلم به گونه‌ای است که انگار دارد با دهان پر از لقمه چرب سخن می‌گوید. دانش آموز ۱۲ هاج و واج معلم را می‌نگرد معلم با حالتی ناراحت مسئله را دوباره خوانی می‌کند و آن را به زبان عادی توضیح می‌دهد معلم ادامه می‌دهد و به دانش آموز ۱۲ می‌گوید: خطی افقی را از وسط عرض تو مستطیل بکش.





ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی از دانش‌آموزان (۳۳) به رسم خودشیرینی کودکانه می‌گوید: خب با این کار $\frac{1}{3}$ را بر ۲ تقسیم کردیم. معلم تصدیق می‌کند و ۱۳ همچنان هاج و واج می‌نگرد. شاید از استرس رفتن به پای تخته باشد شاید هم از تمام شدن پول تو جیبی و شاید...

دانش آموز ۳۲ که نمی‌تواند با زبان معلم را توجیه کند کتاب ریاضی را برداشته و به نزد معلم می‌رود و معلم می‌گوید آری اول تقسیم بعد ضرب. معلم در بالای سوال بالایی کتاب ۳۲ می‌پرسد 1×1 را چند نوشتی؟

دانش آموز ۳۲ با قاطعیت پاسخ می‌دهد (۲). بار دیگر معلم سوال خود را تکرار می‌کند این بار دانش‌آموز می‌فهمد که قافیه را باخته و با خنده می‌گوید دو تا می‌شود معلم می‌گوید: حتماً 2×2 هم پنج می‌شود. این بار ۱۲ می‌خندد و در ادامه معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد بار دیگر مسئله را تکرار کنند و توضیح می‌دهد:

$$\frac{1}{3} \div 2 \rightarrow \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6}$$

دانش آموز ۱۲ هم چنان می‌نگرد.

بیشتر کارهای کلاس بر عهده پسران است و دختران دست به سیاه و سفید نمی‌زنند و البته شاید فعلاً. حال کلاس از حالت جمعی به خصوصی مبدل شده و پسران آخر کلاس بر سر معلم هجوم آورده و معلم به تک‌تک پاسخ می‌دهد. معلم می‌گوید: بچه‌ها همیشه عدد دوم یا کسر دوم معکوس می‌شود اشتباه نکنید و آن را برای دیگران به صورت نکته بیان می‌کند. در این حین، یکی از دختران می‌گوید: آقا اجازه معکوس را چگونه می‌نویسند؟

معلم پاسخ می‌دهد: با عین علی.

مثال: این بار خود معلم می‌نویسد:

$$\frac{1}{3} \div 2 = \rightarrow \frac{1}{3} \times \frac{1}{2} = \frac{1}{6}$$

دانش آموز ۳۳ اجازه گرفته و از کلاس بیرون می‌رود. دانش آموز ۳۴ با حالتی غمناک همراه کتاب به سوی معلم می‌رود و معلم جملات چند لحظه قبل را خصوصی برای او توضیح می‌دهد تا بفهمد و به ناچار داد می‌زند:

معکوس یعنی $\frac{2}{1}$ رو جابجا می‌کنیم. یک میره بالا و دو میاد پایین دانش‌آموز تازه متوجه می‌شود که معلم چه گفته و به قول معروف تازه دوهزاریش می‌افتد.

دانش آموز ۲۳ به سراغ سوال بعدی می‌رود که معلم یادش می‌افتد که سوال قبلی را هنوز باشکل توضیح نداده است پس بلند می‌شود تا توضیح خود را بیان کند. در این هنگام معلم کلاس بغلی که به قصد خوردن چای می‌آید بچه‌ها به پا می‌خیزند و معلم خانم با اشاره به بنده به معلم سال پنجم می‌گوید: داداشته؟

معلم سال پنجم می‌گوید: نه ولی مثل داداشمه. خانم معلم خطاب به بنده می‌گوید: از همین الان فکراتو بکن دوست داری بیا. من کمی سرخ و سفید شدم و با تکان دادن سر گفتم که این شغل را دوست دارم. پس از آن خانم معلم با معلم کلاس پنجم مقداری در رابطه با حقوق حرف زدند. خانم معلم: تو به سن ما برسی تریلیاردر میشی. معلم سال پنجم: آره دوبار (به مسخره)

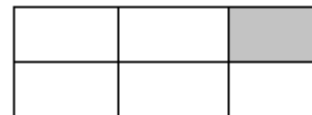
در این حین معلم سال پنجم به دانش‌آموز ۱۲ می‌گوید: فضولی نکن. پس از آن معلم سال پنجم به شوخی خطاب به خانم معلم می‌گوید: تازه من کارآموز هم دارم و باید به من حقوق بیشتری داده شود. حدود ۷ دقیقه وقت کلاس با این گفت‌وگو



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سپری شد که تازه دانش آموز ۳۳ که بیرون رفته بود برگشت. بعد از آن معلم به سراغ ادامه توضیح خود می‌رود و پای تخته شکلی را می‌کشد و آن را به سه قسمت تقسیم می‌کند و هر کدام را دوباره نصف می‌کند.



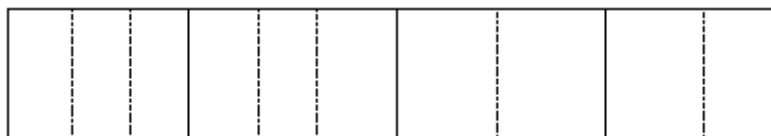
معلم بلند بلند، آخرین نکته خود را در رابطه با این سوال می‌گوید: بچه‌ها در این روش $\frac{1}{3}$ را بر دو تقسیم می‌کنیم. یا نصف یک سوم را محاسبه می‌کنیم. (در اینجا گوشی معلم زنگ می‌خورد که جواب نمی‌دهد).
بچ دخترها سکوت را می‌شکنند و معلم دخالت می‌کند و می‌گوید ضرب میانه‌بر است و کسر دوم را معکوس می‌کند. معلم مسئله بعدی را بررسی می‌کند:

$\frac{1}{4}$ متر از یک کاغذ رنگی را به ۳ قسمت مساوی برش می‌زنیم. هر قسمت چه کسری از یک متر می‌شود؟
زمزمه دختران به گوش می‌رسد. معلم می‌نویسد:

$$\frac{1}{4} \div \frac{3}{1} \rightarrow \frac{1}{4} \times \frac{1}{3} =$$

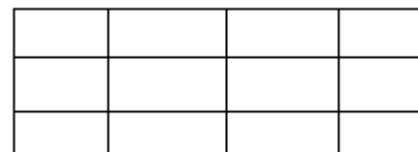
یکی از دختران ته کلاس فریاد می‌زند: $\frac{1}{12}$

دانش آموز ۳۴ هنوز مطلب را نگرفته است. معلم مشغول به توضیح دادن برای اوست. همزمان صدای دختران کلاس در اعتراض به دانش آموز ۳۳ بلند می‌شود. پس از فهماندن دانش آموز ۳۳ و تذکر به او همه دانش‌آموزان پسر ته کلاس دوباره به روی معلم سرازیر شدند و معلم مجبور می‌شود یک بار دیگر بر روی کتاب درسی آن را توضیح دهد.
فضای دانش‌آموزان پسر جلوی کلاس هم متشنج می‌شود. معلم تصمیم می‌گیرد دانش‌آموزانی که درس را یاد گرفته‌اند برای دانش‌آموزان جلوی کلاس توضیح دهند. سر و صدا باز هم شروع می‌شود معلم با گفتن بچه‌ها گوش کنید فضا را آرام می‌کند و دانش آموز ۴ را به پای تخته می‌آورد تا مسئله را با رسم شکل حل کند.



شکل کشیده شده توسط دانش‌آموز جوابگو نیست و معلم به کمک او می‌آید. یکی از دانش‌آموزان دختر می‌گوید آقا معلم یک بار دیگر همه را توضیح می‌دهید؟

و معلم چهره‌اش دگرگون می‌شود؛ طوری که انگار آب یخ بر رویش ریختند و دوباره شروع به شکل کشیدن می‌کند.



معلم: تعداد مربع‌های ساخته شده را می‌شمارد که تعداد آن ۱۲ است و می‌گوید مخرج آن ۱۲ است. با دستور معلم دانش آموز ۱۲ شروع به خواندن کار در کلاس می‌کند (البته به صورت بریده بریده). معلم توضیح آخر را که دانش‌آموزان باید



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادداشت کنند می گوید: ابتدا یک متر را به چهار قسمت مساوی تقسیم می کنیم. سپس $\frac{1}{4}$ آن را در نظر می گیریم. (یکی از دانش آموزان دختر جای جواب را اشتباه نوشته است) و آن را به سه قسمت مساوی کوچکتر تقسیم می کنیم.

در این صورت کل یک متر به ۱۲ قسمت مساوی کوچک تقسیم می شود و سهم هر قسمت کوچک $\frac{1}{۱۲}$ از یک متر است (دانش آموزان بیشتر با خودکار می نویسند). یکی از دانش آموزان با خود شیرینی می گوید آقا ما کار در کلاس را بخوانیم. معلم می گوید: ۵ دقیقه به زنگ مانده هر کس جداگانه کار در کلاس را حل کند بعد من آن را بازبینی می کنم (یکی از دانش آموزان می گوید هر دو سوال را حل کنیم). معلم با تکان دادن سر جواب مثبت می دهد. معلم بر نوشتن بچه ها نظارت می کند هنگامی که به ته کلاس می رسد نکته زیر را یادآوری می کند: بچه ها کسر را تا آنجا که راه دارد ساده کنید و من هم از فرصت استفاده کردم و بادام هندی ذکر شده را خوردم.

معلم بعد از چند لحظه می گوید: بچه ها کسی در تقسیم مشکل نداره؟ دانش آموز ۳۳ از ته کلاس فریاد می زند. آقا اجازه این ۳۴ همش از روی دست ما می نویسه. دانش آموزان بعد از این که تمرینات را حل کردند به طور همزمان کتاب خود را به معلم نشان دادند. معلم پس از اینکه با دستمال کاغذی چند بار استفاده شده دماغ خود را پاک کرد به بررسی تک تک کتاب بچه ها پرداخت. معلم با بد حالی به یکی از دانش آموزان می گوید برای ساده کردن باید تقسیم کنیم نه ضرب. سپس معلم به بچه ها گفت که تا صفحه ۳۹ را به عنوان تکلیف حل کنند و این گونه کلاس درس تقریباً پر حاشیه ریاضی تمام شد. در پایان کلاس دانش آموزان همگی پیش بنده می آمدند و برایشان جالب بود که هر چه سر کلاس گذشته، درسی و غیردرسی را نوشته ام و تا حدی مرا مسخره می کردند و برایم جالب بود.

انتقادات

- کلاس را نباید با آبدارخانه اشتباه گرفت و آن وسایل را از آنجا جمع آوری کرد.
- وقت کلاس خیلی مهم است و نباید به گفتگو با سایر همکاران سپری شود.
- بچه های کلاس لهجه کردی داشتند و معلم باید تلاش کند که فارسی را هم در کنار سایر دروس به بچه ها خوب درس دهد.
- معلم وقتی می خواست مسئله ای را حل کند خیلی آن را طول می داد و زمام کلاس از دستش خارج می شد.
- یکی از عادت های بد دانش آموزان این بود که بعد از هر تمرین همگی بر سر معلم هجوم می آوردند که نباید این طور باشد و هر دانش آموز تک تک به سراغ معلم برود.
- معلم نباید از مسخره کردن و شوخی استفاده کند که ذوق بچه کور می شود زیرا آنان خیلی کودک هستند.
- معلم از بچه ها خیلی سوال و جواب نمی کرد.
- معلم خیلی توازن را بین بچه ها برقرار نمی کرد چون از بعضی از بچه ها استفاده می کرد و بعضی ها هم بسیار در سر کلاس ساکت بودند.
- معلم تکیه کلام درست درست خیلی استفاده می کرد که خیلی هم روی مخ بود.
- صندلی های کلاس خیلی خشک بود و برای دانش آموزان ابتدایی مناسب نبود.

پیشنهادات

اگر جای معلم آن کلاس بودم از فیلم های آموزشی استفاده می کردم که کلاس خیلی بی روح نباشد. به جای رابطه سلطه گری معلم یک رابطه ی دوستانه با دانش آموزان برقرار می کردم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برای درس تقسیم و آموزش تقسیم کردن مثلاً سیبی یا یک شی خارجی به کلاس می‌آوردم که بچه‌ها عیناً درس را یاد بگیرند. در کنار دانش‌آموزان والدین آنها را در جریان درس قرار می‌دادم تا بچه‌ها جدی‌تر به مطالعه درس بپردازند. چون تعداد دانش‌آموزان کلاس کم بود می‌توان چینش را تغییر داد و آنها را به صورت هلالی درآورد که حالت صمیمی‌تر دارد. در چنین درسی به نظر باید از همان ابتدا ساده کردن را توضیح داد نه در وسط کلاس که باعث می‌شود دانش‌آموزان قاطی کنند.

باید طوری گروه بندی کرد که در هر گروه یک فرد زرنگ وجود داشته باشد که بعد از هر تمرین لازم نباشد همگی به سراغ معلم بیایند و به جای او سراغ فرد زرنگ بروند.

وجود دخترها و پسرها در سر کلاس یک فرصت است باید از این فرصت استفاده کرد و حس رقابت را بین آنها بوجود آورد. اگر به جای معلم بودم هر چیزی را به ویژه در درس ریاضی بلد نبودم صراحتاً می‌گفتم بلد نیستم تا دانش‌آموزان فکر نکنند که معلم دانای مطلق است.

منبع [۱] را مطالعه نموده تا روش‌های آموزش ریاضی و کلاس داری را بیاموزم و به کار ببرم. در پایان هم بیشتر از کارهای گروهی خصوصاً گروه‌های مختلط استفاده می‌کردم که در دوران بزرگسالی هم آثار مثبت خود را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

وقتی از کلاس بیرون آمدم برایم روشن شد که معلمی چه شغل پیچیده و مهمی است. هم چنین معلوم شد که برخلاف تصور زمان ما که دختر و پسر حق نداشتند توی یک مدرسه باشند آنها بسیار باهم در درس‌ها کمک حال یکدیگر بودند و هیچ‌گونه مشکلی نداشتند و نکته‌ی دیگر این که می‌گویند حقوق معلمین کم است چون کارشان آسان است کاملاً اشتباه می‌کنند. معلمی بسیار شغل سخت و دشواری است، به ویژه معلمین ابتدایی، با این حال به امید روزی که همه‌ی معلمان سرزمینم کار خود را به نحو احسن انجام دهند تا آینده سازان این مملکت هیچ مشکلی نداشته باشند و طوری باشد که کشور عزیزمان ایران جان در آینده در دست افراد لایق و شایسته قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

تشکر از اساتید گرانقدر دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه که مارا در این امر همراهی کردند.

مراجع

آروین بهرام، امجدبان امیر، آموزش ریاضی و پرورش فکر، کوثر، کرمانشاه، ۱۳۹۰.
پندی زهره، داوودی خسرو، رحیمی زهرا، رستمی محمدهاشم، ریحانی ابراهیم، صفی‌نیا شادی، ریاضی پنجم دبستان، دفتر تألیف کتابهای درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، چاپ سوم، ۱۳۹۶.
انوری حسن، آیین نگارش و ویرایش ۱، دفتر تدوین و تولید کتب و محتوای آموزشی، مرکز چاپ و توزیع دانشگاه پیام نور، چاپ نهم، مهر ۱۳۹۸.